

دوفصلنامه‌ی پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره چهارم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۱

نقد و بررسی محتوای کتب درسی عربی دوره دوم متوسطه دوم از نظر زبان‌شناسی

* قادر احمدی^۱مهدی شفائی^۲اکبر ابراهیمی اورنگ^۳

چکیده

هر اثری با توجه به موضوع و ساختار، زبان ویژه‌ای دارد. زبان برخی از آثار با توجه به عاطفه و تخیل به کاررفته در اثر، ساده و همه‌فهم و برخی نیز به دلیل برخی لغات، اصطلاحات، نیاز به تأمل و توجه بسیاری دارد. کتاب‌های عربی دوره دوم متوسطه از مهم‌ترین و در دسترس‌ترین منابع آموزشی در زمینه یادگیری عربی و به تبع آن آشنایی با مفاهیم دینی و قرآنی و احادیث و ... برای فراگیران است. تحقیق حاضر با روش کتابخانه‌ای و توصیفی در پی نقد و بررسی کتب عربی دوره دوم متوسطه از منظر زبان‌شناسی است. واکاوی کتب عربی مورد بحث مبین آن است که مؤلفین با دقت زبانی و ظرافت خاصی موضوعات کتب درسی را انتخاب کرده‌اند و با توجه به سطح علمی فراگیران و مقتضای حالشان، متون را بر مبنای ابعاد زبانی دسته‌بندی کرده‌اند.

کلیدواژه: زبان‌شناسی، کتب درسی، کتاب عربی، محتوا

^۱ کارشناسی ارشد، دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان،
ahmadi.gader@yahoo.com

^۲ دکترای تخصصی، دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی و مدرس دانشگاه فرهنگیان - پردیس علامه امینی تبریز،
saba.saba81@gmail.com

^۳ دکترای تخصصی، استادیار، دکترای روانشناسی تربیتی، استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه امینی تبریز،
a.erbrahimi1349@gmail.com

۱- مقدمه

یادگیری کتب عربی دوره دوم متوسطه یکی از راه‌های آشنایی دانش‌آموزان با زبان و فرهنگ قرآنی-عربی است. مؤلفین محترم با دانش و آگاهی لازم موضوعات متناسبی در کتاب درسی عربی برگزیده‌اند. برای بررسی این موضوع باید از کتاب‌ها و آثار مکتوب در این زمینه زبان و در زمینه آموزشی بهره جست که به تبع آن می‌توان از برخی کتب از جمله کتاب دوره زبانشناسی عمومی یاد کرد.

با بررسی کتب عربی دوره متوسطه دوم با رویکرد زبانشناسی و معناشناسی این احتمال وجود دارد به نتایج متقنی در باب صحت و سقم انتخاب متون و همسویی آن با اهداف کتب درسی و آشنایی با قرآن و مفاهیم دینی دست یابیم. همچنین با چنین نگرشی متوجه پاسخ این سؤال خواهیم شد که متن‌های کتب درسی در جهت اشاعه فرهنگ دینی و اسلامی تا چه حدی می‌توانند موفق و تأثیرگذار باشند که بالطبع ایرادات موجود در این زمینه هم مرتفع خواهد شد.

۱-۱- روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و توصیفی در بررسی موضوع مورد بحث استفاده شده و متن‌های کتب درسی دوره دوم با رویکرد تحلیل زبانی و بیانی و فکری به‌طور مختصر در چهارچوب‌های ذیل بررسی شده است: «زبان به‌مثابه آینه، اشکال مختلف زبانی، تبلور هویت اسلامی-ایرانی در زبان و شعر در کتب درسی، تفکر، مکالمه و گفتمان، لحن و منطق گفتگویی، تأثیر موضوع در انتخاب، تمایز زبان شعر معاصر و سنتی، بخش قواعد».

۱-۲- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد موضوعات دروس عربی دوره دوم متوسطه مطابق با اهداف دینی و سیاسی کشور است.
- ۲- با توجه به بررسی معانی لغات در داخل جمله، زمینه یادگیری معانی کلمات و نهایتاً جملات به سهولت انجام می‌گیرد.
- ۳- بخشی از قواعد مطرح شده در کتب مورد بحث جوابگوی نیاز فراگیران نیست.

۲- مبانی نظری

در زبانشناسی، مباحث مختلف زبانی از جمله: صرف و نحو، واج‌شناسی، آواشناسی، معناشناسی، کاربردشناسی، تحلیل گفتمان، زبانشناسی تاریخی تطبیقی، زبانشناسی تحلیلی، زبانشناسی آموزشی، جامعه‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان، زبان و منطق و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما هر کدام از این مباحث بعدی از ابعاد وسیع بررسی زبان و زبانشناسی را در بر می‌گیرد و طیف وسیعی از محققان در این راه به تحقیق می‌پردازند (باطنی، ۱۳۷۶: ۱۴).

زبان فرآورده‌ای اجتماعی و نیز مجموعه‌ای از قراردادهای ضروری است که از طرف جامعه مورد پذیرش قرار گرفته تا افراد بتوانند قوه ناطقه را به کار اندازند. در واقع این توانایی گفتاری انسان نیست که برای وی طبیعی است، بلکه استعداد آفرینش یک زبان، یعنی دستگاهی از نشانه‌های متمایز و منطبق بر مفاهیم متمایز است که برای انسان طبیعی است. (سوسور، ۱۳۸۲: ۷-۱۶). سوسور برای این که بتواند به بحث زبان بپردازد و آن را از دیدگاه‌های قدیمی و غیرعلمی تمییز دهد می‌گوید: می‌توان دانشی را در نظر گرفت که به بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی جامعه می‌پردازد؛ این دانش بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در نتیجه بخشی از روان‌شناسی عمومی خواهد بود که ما آن را «نشانه‌شناسی» می‌نامیم. (همان: ۲۴)

نقد را جستجوی نشانه‌ها دانسته‌اند و شیوه‌های جستجو و شرح و تفسیر این نشانه‌ها را شیوه‌های نقد و تحلیل نامیده‌اند (کالر، ۱۳۹۰: ۴)؛ بنابراین تحلیل گر در مواجهه با متون گوناگون در جستجوی معنا نیست، بلکه در پی شناخت نشانه‌ها و توصیف عملکرد آن‌ها است. از این منظر زبان‌شناسی بر آن است، مشخصات ویژه زبان ادبی را در انواع مختلف نظم و نثر، با زبانی تحلیلی و کاربردی و با رویکردهای مختلف توضیح دهد.

در سال‌های اخیر رویکردهای تکوینی، فطری‌نگر، سازندگی‌گرایی، ساختارگرایی و ... در مورد زبان‌شناسی مطرح بوده است (رشتچی، ۱۳۸۹: ۹-۵). پیازه رشد کلی زبان را نتیجه تعامل کودک با محیط اطراف و همچنین تعامل تکمیلی بین رشد توانایی‌های ادراکی-شناختی و تجربه زبانی توصیف می‌کند. پیازه برخلاف چامسکی معتقد است که ساختارهای پیچیده زبان فطری نیستند و یاد هم گرفته نمی‌شوند، بلکه این ساختارها در نتیجه تعامل مداوم بین عملکردهای شناختی جاری و محیط زبانی و غیرزبانی پدیدار می‌شوند.

این رویکرد تعاملی را «سازنده‌گرایی» می‌نامند که واژه‌ای است در مقابل فطری‌گرایی. نظریه ویگوتسکی بر تعامل بین تفکر و زبان برنامه‌ریزی شده است. ویگوتسکی دو نقش برای زبان قائل است: یکی نقش بیرونی برای ایجاد ارتباط با محیط اطراف و دیگری نقش درونی برای کنترل افکار. ویگوتسکی همچنین دو محور برای رشد و یادگیری در معنای کلی آن معرفی می‌کند: ۱) منطقه مجاور رشد (۲) میانجی‌گری (همان: ۱۲-۱۱).

منطقه مجاور رشد: فاصله بین توانایی فراگیر برای انجام کاری زیر نظر یک راهنما و با مشارکت هم‌سالان و توانایی او برای حل مسئله به صورت مستقل است و میانجی‌گری به کارگیری ابزار یا علائم فرهنگی برای به وجود آوردن تغییرات کیفی در تفکر است. به کارگیری سیستم‌های ارتباطی برای نشان دادن وقایع و از آنجا که سیستم‌های ارتباطی راه‌های تعامل افکار و ایده‌ها هستند، پس زبان سیستمی ارتباطی است که انسان‌ها از آن برای بیان تفکراتشان استفاده می‌کنند. ویگوتسکی بر این اعتقاد است که رشد تفکر با زبان صورت می‌گیرد؛ یعنی رشد عقل کودک بستگی به تسلط وی بر ابزار اجتماعی تفکر یعنی زبان دارد. زبان در یادگیری یا به قول ویگوتسکی درونی کردن دانش و ابزارهای تفکر که ابتدا در محیط اطراف قرار دارند، نقش اساسی دارد. تجربه فرهنگی - اجتماعی کودک از طریق زبان انجام می‌شود و همین امر موجب رشد تفکر می‌شود.

هر دو بحث در امر آموزش خیلی مهم به نظر می‌رسند؛ بنابراین لازم است دانش آموزان با متن درگیر شوند و منطقه مجاور رشد را تجربه کنند. لذا برای آشنایی با قرآن و حدیث باید زبان عربی را درک و فهم کنند. از جهتی هم راهنما و معلم به عنوان میانجیگر در راستای اصلاح نواقصات امر برمی‌آید.

برای مثال در آیه: *يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ؛ فَاجِبٌ لِّغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ نَفْسَكَ؛ وَاکْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا؛ وَ لَا تَطْلُمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُطْلَمَ* (عربی دوازدهم انسانی، ۱۳۹۸: ۷۷)

ترجمه: پسرم خودت را میان خویشتن و دیگری میزان و ترازویی قرار داده؛ پس آنچه را برای خود دوست می‌داری برای غیر خود [نیز] دوست بدار؛ و برایش ناپسند بدار آنچه را برای خود ناپسند می‌داری؛ و ستم مکن، چنانکه دوست نداری به تو ستم شود.

با توجه به اینکه دانش آموز با کمک معلم ترجمه را یاد می‌گیرد، با نکات اخلاقی و دینی نیز آشنایی پیدا می‌کند. هرچند هدف آموزش تشبیه داخل متن (حضرت علی علیه‌السلام نفس را به ترازویی تشبیه کرده است) و جناس نیست، اما در یادگیری و ماندگاری آن در ذهن مخاطب کمک شایانی می‌کند.

۳- بحث اصلی

می‌توان گفت زبان ابزار بیان و انتقال معنا در کتاب عربی است که از عنصر کلمه استفاده می‌کند. کلمه در میان بافتار کلام ادبی و به خصوص شعر از معنای عرفی خارج شده و با آشنازدایی شکلی تازه از کلام به خود می‌گیرد که معنای نمادین و رمزی کلمه در میان بافت کلام است. پس سیاق‌های تازه، خود، ساختی تازه به کلمه و کلام می‌دهد و این وضعیت جدید ساختارهایی تازه در کتاب عربی ایجاد می‌کند.

ارتباط در شکل نوشتاری خود هم به واج، تکواژ، واژه، گروه، جمله و جمله مستقل نیازمند است تا مقصود گوینده به گیرنده پیام انتقال یابد. این عناصر با توجه به قواعدی چون قواعد واجی، هم‌نشینی، نحوی، معنایی و کاربردی سامان می‌یابند که در کتاب درسی عربی نقش دارند. به جای عناصر تشکیل‌دهنده کلمه و کلام می‌توان شکل‌گیری واژگان، ترکیبات و تداعی‌ها را در محور جانیشینی فرض کرد و به جای قواعد ترکیب و تشکیل کلام، سیاق متن را پیش‌فرض گرفت. بدین شکل درمی‌یابیم که حروف و واج‌ها چگونه مانند جدول ضرب ریاضی و دستگاه‌های تابع ریاضی با در کنار هم قرار گرفتن و تغییر و تبدیل در ایجاد کلام و انتقال مطلب نقش ایفا می‌کنند. مثلاً اگر واژه گل و گل را از طریق واج کسره و ضمه تمیز می‌دهیم و حرکت کسره و ضمه تغییر معنا ایجاد می‌کند، این قاعده تا بزرگ‌ترین واحد زبانی یعنی جمله و متن و کتاب‌ها ادامه می‌یابد (حق‌شناس، ۱۳۸۴: ۲۸).

«از نقطه نظر آواشناسی جمله را می‌توان به عنوان واحد آوایی مرکبی تعریف نمود که از یک یا چند واژه ترکیب شده باشد و به کمک یک یا چند واحد زبرزنجیری آهنگ نوعی یگانگی در آن پدیدار شده باشد.» (حق‌شناس، ۱۳۸۴: ۱۴۲). با آغاز نوشتن حروف در پشت سر هم زبان شروع به ایجاد شدن می‌کند و تکواژ و واژه و گروه و جمله ایجاد می‌شود و در همین حین قواعدی آن‌ها را کنار هم می‌چیند. این هنر زبان در وهله اول است. در وهله دوم هنر زبان این است که گفتار را تبدیل به نوشتار می‌کند. پس زبان‌دانی هنر است. کسانی که هنری مضاعف بر این دارند، زبان را به انتخاب و احضار کلماتی خاص تبدیل به شعر می‌کنند و بر آن بدایعی می‌افزایند و لباسی تازه می‌پوشانند و می‌آرایند و از طریق تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز بیانی تازه اختیار می‌کنند و از طریق فهم مقتضای حال مخاطب بلاغتی پیش می‌گیرند که معانی ثانوی را بر کلام حمل می‌کنند و کلام حقیقتی دیگر از نوع حقیقت شعر را به دوش می‌کشد. در واقع در شعر چنان لایه‌های سخن تودرتو و پیچیده می‌شود که گاه معنا و آراستگی کلام را باید با شیوه‌های متن‌شناسی و زبان‌دانی و نقد متون از هم دیگر متمایز کرد و بازساخت:



«وَصْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَّرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (النحل: ۱۱۲).

ترجمه: و خداوند (برای عاقبت طغیان و کفران نعمت) مثلی زده: مجتمعی (شهر، قریه، اجتماعی) را که آسوده و آرام (از دشمن، حوادث، کمبودها و ...) بودند، روزی شان فراوان از همه جا می‌رسید، پس نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، خداوند هم به سزای آنچه می‌کردند لباس گرسنگی و ترس را به آن‌ها پوشانید و طعم آن را به آن‌ها چشانید. در این آیه استعاره‌های لباس الجوع و لباس الخوف به کار رفته است که قبل از ورود به بحث مزین نمودن سخن با کلام الهی و اشاره به زیبایی‌ها و جلوه‌گری‌های، آرایه‌های قرآنی ذکر گردید.

در ادامه به مواردی از قبیل «زبان به مثابه آینه، اشکال مختلف زبانی، تبلور هویت اسلامی- ایرانی در زبان و شعر در کتب درسی، تفکر، مکالمه و گفتمان، لحن و منطق گفتگویی، تأثیر موضوع در انتخاب، تمایز زبان شعر معاصر و سنتی، بخش قواعد» پرداخته می‌شود که در راستای مبنای نظری و بحث اصلی می‌باشند که در کتاب درسی عربی نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند:

۳-۱- تصاویر شاعرانه

تصویر و تابلو در اصطلاح عبارت است از این که ادیب و هنرمند تجارب شخصی و عواطف گوناگون خود را در قالبی زیبا و شگفت‌انگیز و با تعابیری جذاب و هنرمندانه عرضه کند؛ و این کار تنها از عهده‌ی کسانی برمی‌آید که دارای قوه‌ی خیال خلاق، موهبتی خدایی، ذهنی کاشف، اندیشه‌ای نافذ و روحی لطیف باشند؛ بنابراین آن چنان که گفته‌اند: «تصویرگری جبران قصور زبان و پیچیدگی تجربه و محصول نیروی بیان است و کیفیتی است در جمله که موجب استحکام و روشنی و زیبایی و شکوه آن می‌شود» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۸۵)

سَلِّ الْمَصَانِعُ رَكْبًا تَهِيمٌ فِي الْفَلَوَاتِ تَوْقِرُ آبٍ چِه دانی که در کنار فراتی

(عربی یازدهم انسانی، ۱۳۹۸: ۱۹)

ترجمه: از انبارهای آب درباره‌ی سوارانی که در بیابان‌ها تشنه و سرگردانند، بپرس. تو قدر آب را چگونه می‌توانی درک کنی در حالی که در کنار رود فرات هستی.

شاعران برای بیان ما فی الضمیر و اندرون خود از ابزارها و امکانات عدیده‌ای بهره می‌جویند؛ و این مجموعه امکانات، تصویری را می‌سازند که القاء کننده ذهن شاعر است و شاید هم بتوان گفت تصاویر القاء کننده و روشن کننده معانی و تزئین کننده می‌باشند. در حقیقت تصاویر بار عاطفی ذهن شاعران را به مخاطب انتقال می‌دهند. سعدی در این مُلَمَّع که

تنها مطلع آن را به‌عنوان نمونه آوردیم با آوردن کلماتی مانند انبارهای آب، بیابان‌ها، آب، فرات دو تصویر زیبا از بیابان و سرزمین پر آب را خلق کرده است.

۳-۲- زبان به‌مثابه آینه

زبان در معنای وسیع آن به‌مانند آینه تمام‌نمای روح و جسم انسانی است. شعر و نثر در موضوعات و قوالب مختلف گونه‌ای از آینه است که تفکر ذهنی و اندیشه فرد را نشان می‌دهد. نظم و نثر گونه‌ای از آینه است که تفکر ذهنی و اندیشه فرد را نشان می‌دهد. حال اگر شعر به‌صورت گفتگویی باشد، گویی دو آینه برای نشان دادن ذهن قرار داده‌ایم. نمایشنامه و گفتگو و کلاً متن‌های گفتگویی چنین عملکردی دارند و به‌مانند اتاق آینه تصاویر را از زوایای مختلف نشان می‌دهند.

زبان تجلی ذهن انسان در نمودهای مختلف و مراتب متفاوت است. زبان در مفهوم عام آن یعنی هر نوع نشانی از حرکات وجودی انسان، خنده، گریه، تغییر رنگ چهره، سکوت، نگاه و شنیدار و ... به کار می‌رود؛ بنابراین لازم است متن‌هایی به کار رود که بتواند تمام این مفاهیم را به مخاطب القا کند. چراکه زبان آینه هویت انسان هم است.

مثلاً از طریق یادگیری زبان عربی به هویت اسلامی می‌رسیم و زبان و گفتار و معنای کلام ائمه را درمی‌یابیم.

لا عِلْمَ لَنَا أَلَّا مَا عَلَّمْتَنَا (بقره: ۳۲) (عربی دوازدهم مشترک، ۱۳۹۸: ۸)

ترجمه: جز آنچه به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نداریم.

زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ (امام علی ع) (عربی دهم علوم و معارف اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۱۸)

ترجمه: زکات علم منتشر کردن آن است.

در مثال اول علاوه بر قدرت خداوندی بر کمبود علم ما اشاره دارد؛ و در مثال دوم نیز علاوه بر اشاره به ارزش علم‌آموزی کلمه زکات به کار رفته که یکی از فرائض دینی است. پس می‌توان گفت زبان همانند آینه‌ای در انعکاس ذهن و تفکر است.

۳-۳- اشکال مختلف زبانی

از نظر گاه‌یونگ «حالات» انسان یا هیجان است یا احساس یا اندیشیدن و یا شهود. از میان این چهار عملکرد روح، فقط اندیشیدن است که می‌تواند تبدیل به امری زبانی شود. آن سه عملکرد دیگر اموری غیر زبان‌شناسیک‌اند ولی با وسائلی قابل تبدیل به امر زبان‌شناسیک‌اند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵-۲۴)؛ بنابراین باید بین دو گونه «ارجاعی» و «عاطفی» زبان تمایز قائل شویم و این دو را از هم بازشناسیم (همان: ۲-۳۱).

در شعر و در هنرها ما با ساحت عاطفی زبان سروکار داریم و به زبان عطار با «زبان معرفت» سخن می‌گوییم و از زبان معرفت می‌شنویم نه «زبان علم» که قلمرو زبان ارجاعی است. حال این زبان معرفت زبان گنگی است که با زبان علم در یک ترازو قرار نمی‌گیرد و در حالات مختلف انسانی با نمودهای بی‌شمار خود معانی بی‌شماری دارد. (همان: ۳۲).

مثال هنری:

إِنَّ الْإِمَامَ أَخَا النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ عِلْمُ الْهُدَى وَ مَنَارَةُ الْإِيمَانِ

(کتاب عربی یازدهم علوم و معارف اسلامی، ۱۳۹۹: ۳۶)

ترجمه: به‌درستی که امام علی علیه‌السلام برادر حضرت محمد (ص)، پرچم هدایت و مناره ایمان است.

مثال علمی:

ثمانین فی المئه من موجودات العالم حشرات. (عربی دهم مشترک، ۱۳۹۸: ۲۰)

ترجمه: هشتاد درصد از موجودات جهان حشرات هستند.

در شعر همان‌طور که مشاهده می‌کنیم ذهن و زبان انسان در کنار هم برای ابراز احساسات و هدف و تفکری ویژه گام برمی‌دارند. درحالی‌که زبان علم خارج از احساس و در پی القای آگاهی است. توجه به این موضوع و تبیین آن در ذهن فراگیران به بسیاری از سؤالات آن‌ها در امر ترجمه جواب خواهد داد و لازم است که مدرسان این دو حیطهٔ زبانی را برای فراگیران مشخص کنند تا آن‌ها بتوانند به راحتی با متن و ترجمه آن ارتباط برقرار کنند.

۳-۴- زبان

هر اثری با توجه به نوع ادبی خود، زبان ویژه‌ای دارد. زبان برخی از آثار با توجه به عاطفه و تحیل به کار رفته در اثر ساده و همه‌فهم و برخی نیز به دلیل برخی لغات و اصطلاحات و ابهامات (بنا بر دلایل سیاسی اجتماعی) نیاز به تأمل و توجه بسیاری دارد و فهم معنا و دست یافتن به ژرف ساخت معنایی مشکل می‌نماید؛ اما به نظر می‌رسد این بحث اگر در جهتی باشد که نویسنده تحیل خود را در جهت هنری تر کردن شدن بیشتر دخیل سازد حال و هوای دیگری به متن خواهد بخشید و درواقع مفاهیمی زیبا در تاروپود نوشته جلوه خواهد کرد و این جز به وسیلهٔ شناخت کارکردهای زبان امکان‌پذیر نیست. حوزهٔ قلمرو زبانی وسیع‌تر از آن است که بتوان آن را در این بحث گنجانند.

این سطح از حوزه زبانی بیشتر بر روابط کلمات و شبکه‌های معنایی به همراه تناسبات و ترادفات و تابعات می‌پردازد و بیشتر طریقه القای معنی را از طریق زبان به کار رفته در اثر پیگیری است. زبان در بیان قرآنی و حدیث، هویتی اسلامی دارد. حتی در احادیث هم به علت گرایش به شریعات کلمات به کار رفته رنگ و صبغه‌ای اسلامی و مذهبی دارد. متون دینی وجود انبوهی از کلمات و ترکیباتی است که در تناسب و ترادف هم برای القایی فکری مذهبی و اسلامی به کار رفته است. در متون علمی نیز متناسب با شکل خاص خود را در پی خواهد گرفت.

به‌عنوان نمونه درس اول کتاب عربی دهم فنی و حرفه‌ای و کاردانش:

«أَهْمِيَّةُ الْعَمَلِ» يَهْتَمُّ السَّلَامُ بِالْعَمَلِ الَّذِي يَنْفَعُ الْآخِرِينَ وَ لَا يَضُرُّ النَّاسَ وَ يَكُونُ فِي كَسْبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ الْعَمَلُ بِالْيَدِ مِنْ عَمَلِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ».

(ترجمه: دین اسلام به کاری اهمیت می‌دهد که به دیگران سود می‌رساند و به مردم ضرر نمی‌زند و در پی کسب روزی حلال است..... کار و کوشش کردن با دست از کارهای پیامبران و فرستادگان خدا و جانشینان و انسان‌های نیکوکار است.)

از مشخصات بارز این متن، علاوه بر کل متن به کارگیری واژگان و تعبیری مرتبط با دین، خود آشکارکننده فضای دینی و توجه دین اسلام به کار و کوشش است. پس ماحصل چنین است که زبان به کار رفته اثر دینی است.

درس دوم «الْوَجْهُ النَّافِعُ وَ الْوَجْهُ الْمُضِرُّ» (روی سودمند و روی زیان‌آور)

زبان درس، زبانی علمی است حتی کلمات به کار رفته مانند «الْبَيْتِرُ وَ غِيلِسِرِينَ - الْإِنْفِجَار - الدِّينَامِيْت - الْأَنْفَاق - الْمَادَّة» ... نیز حاکی از این مطلب است

دروسی که در آن‌ها قطعه‌های شعری متن درس را تشکیل می‌دهند مانند درس اول دهم رشته‌های انسانی و ریاضی و عربی و معارف با عنوان «ذاک هو الله» درس دوم یازدهم انسانی و. حال و هوای عاطفی بر متن درس‌ها حکم فرماست.

۳-۵- تفکر

تفکر و اندیشه نویسنده از طریق کلمات و جملات به مخاطب انتقال می‌یابد و در واقع نویسنده آن را دست‌مایه بیان و انتقال معنای ذهنی قرار می‌دهد. با بررسی جملگان می‌توان به ویژگی‌های فکری، روحیات، باورها، گرایش‌ها، نوع نگرش به پیرامون و دیگر جنبه‌های فکری پی برد و در جهت تعیین رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی چیره بر متن گام برداشت. با چنین بررسی و تحلیلی است که شکل و ساختمان و محتوای فکری اثری ظهور و بروز می‌کند.

برای مثال می‌توان متونی را انتخاب کرد که از وجهه «من شخصی» خارج می‌شود و نیز برای غنی‌سازی عاطفه دست به دامان خاطرات جمعی فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌شود و برای تبیین موضوع از وقایع اجتماع کمک می‌گیرد. این امر دو دلیل عمده دارد: اول این که بزرگ‌ترین الگوی ذهنی یک ایرانی مسلمان همین الگوهای ملی مذهبی است. ثانیاً تلاش برای ارائه بهترین و شیواترین مثال او را بر این امر سوق می‌دهد که از بزرگ‌ترین الگوی شهادت و ایثار کمک بگیرد و در واقع با الگوسازی در ذهن مخاطب میزان درد و رنج خود را نشان دهد.

درس پنجم دوازدهم رشته علوم و معارف با عنوان «الْحَرْبُ الْمَفْرُوضَةُ» را می‌توان به‌عنوان مثال ذکر کرد. این درس با توصیف جنگ تحمیلی و رشادت‌های دلیرمردان شروع می‌شود و در ادامه به توصیف نقش زنان می‌پردازد تا اینکه با بیان «نَحْنُ قَدْ مَنَّا شَبَابًا أَعْرَاءَ فِي الْحَرْبِ» گریزی به بیان نهایت غم و اندوه می‌زد.

۳-۶- مکالمه و گفتمان

این بحث می‌خواهد مکالمه و گفتمان را با توجه به ظرفیتش، از نظر نقش کارکردی آن در اجتماع بررسی کند و در انواع متون که ذهن انسان، آمال و خواسته‌ها و وسعت نظر او را آیینگی می‌کنند، نشان دهد. مکالمه و گفتمان با توجه به ساختار روایی خاص، در جهت عینی کردن مسائل فکری و اجتماعی کمک قابل توجهی می‌کند. موضوعات مختلف از طریق مکالمه می‌تواند در میان متون مطرح شود و موقعیت‌ها و آداب آن را آموزش دهد.

ادبیات نشأت گرفته از زبان و هنری کلامی است و آنگاه که زبان در محور کلام و واژگان نمود زیباشناختی پیدا می‌کند، جلوه‌ای ویژه از هنر پدیدار می‌شود. از مهم‌ترین نقش‌های زبان ایجاد ارتباط، انتقال پیام، رابطه دوسویه تفکر و زبان و زیبایی آفرینی است. بر پایه نقش ارتباطی و القای سخن است که اساس ادبیات همواره تعلیم و تعلم بوده است. بسیاری از نهادها، مناسبات و شعائر جامعه در چارچوب زبان یا دست کم به واسطه زبان معنا می‌یابند. همچنین زبان درک و دریافت ما را از واقعیت و در نتیجه، تجربه ما را سازمان‌بندی می‌کند و چگونگی نگرش ما را نسبت به جهان رقم می‌زند و به کار برقراری، حفظ و تثبیت و تنظیم روابط اجتماعی می‌پردازد؛ بنابراین، بخشی از هر متن دلالت بر کنش متقابل افراد درگیر در ارتباط دارد. (مهاجر، ۱۳۷۶: ۲۸-۱۹) از نظر باختین زبان پدیده‌ای اجتماعی - ایدئولوژیک است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی است و شکل بیانی گفتار، یعنی آنچه به واقعیت زبان وابسته است، جریان اجتماعی آن است. گفتار به خودی خود بی‌معناست، چراکه به گونه‌ای ضروری پاسخی به گفتاری دیگر است. معنا در رابطه با دیگران ساخته می‌شود و گفتار هیچ‌گاه بی‌مخاطب نیست. به بیان دیگر، بر گفتار، منطق مکالمه حکم فرماست. برای همین باختین «مونولوگ» را نسبت به پاسخ دیگران ناشنوا می‌داند و عقیده دارد به همان شکل که اساس گفتار، کاربرد شخصی زبان، به‌منظور ایجاد

مکالمه است، هر شکل بیان ادبی نیز، گونه‌ای سخن ادبی به‌منظور گفت‌وگو است. (مقدادی، ۱۳۹۳: ۴۴۸) «با پذیرش منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، می‌توان متن را در بعد «فرایند» ی‌اش رخدادی تعاملی، یعنی مبادله اجتماعی معناها دانست. متن صورتی از مبادله است و صورت بنیادین متن، مکالمه یا تعامل بین سخن‌گویان است» (هلیدی، ۱۳۹۳: ۴-۶۳) می‌توان با عنایت به بافت موقعیت و مناسبات فرهنگی اجتماعی مکالمه را مورد بحث قرارداد و درباره‌ی ژرف‌ساخت معنایی‌اش به بازاندیشی پرداخت.

حوار (فی مطار النجف الأشرف)

سائِحٌ مِنْ إِيْران	سائِحٌ مِنْ الْكُوَيْتِ
أنا مِنْ مَدِيْنَةِ جُوِيْبَارِ فِي مُحَاْفَظَةِ مازَنْدَران	ما أَجْمَلَ غابَاتِ مازَنْدَران وَ طَبِيْعَتَها!
هَلْ ذَهَبْتَ إِلى إِيرانَ مِنْ قَبْلِ؟!؟	نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيارَةِ الْإِمامِ الرُّضْا، ثامِنْ أَيْمِننا (ع)
كَيْفَ وَجَدْتَ إِيرانَ؟	إِنَّ إِيرانَ بِلادٌ جَمِيْلَةٌ جَدًّا وَ الشَّعْبُ الْإِيرانِيُّ شَعْبٌ مِضِيافٌ.

(عربی دهم، ۱۳۹۸: ۱۷)

مکالمه در کتب عربی دبیرستان بسیار آسان و ساده فهم و در سیر تکامل اهداف آموزش و یاری درک و دریافت قرآن و متون دینی و عربی است، اما در کنار آن‌ها و در لابه‌لای مکالمه‌ها مقاصد دیگری چون اهداف فرهنگی، دینی و... متبلور است. در مکالمه فوق در کنار تبلیغ دین و زیارت ائمه، معرفی کشور ایران و فرهنگ مهمان‌نوازی ایرانیان نیز جلب توجه می‌کند. این امر همچنین کمک می‌کند فراگیران با عقاید متفاوتی در یک موضوع آشنا شوند.

۳-۷- لحن و منطق گفتگویی

۳-۷-۱- تأثیر موضوع در انتخاب موضوع

احساس و عاطفه یعنی حالاتی چون شادی، غصه، امید و ناامیدی و... نمودهای عاطفی انسانی‌اند که نویسنده و شاعر آن‌ها را از طریق شعر و از طریق نشانگان زبانی به مخاطب انتقال می‌دهد. برای این امر شاعر کلماتی را در کامل‌ترین فرم و ساخت، در کنار هم می‌چیند و سعی دارد از طریق انتخاب وزن و آهنگ و قالب مناسب حس درونی خویش را هر چه بهتر ارائه دهد. مثلاً برای انتقال حُزن و اندوه و تأملاتی که حس غم را نشان می‌دهد از وزن و آهنگ ملایم و بلند استفاده می‌کند و فضای شعر را سنگین‌تر می‌گرداند. فرزدق برای القای حزن و اندوه خود راجع به عدم معرفی امام سجاد از طرف هشام و ناشناس ماندن امام سجاد در نزد برخی از مردم قصیده‌ای سرود با مطلع:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَأْتَهُ وَ الْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَ الْجِلُّ وَ الْحَرَمُ

(عربی دوازدهم مشترک، ۱۳۹۸: ۵۱)

ترجمه: این کسی است که سرزمین مکه جای قدم‌هایش را می‌شناسد و خانه خدا و بیرون و محدوده حرم او را می‌شناسند.

این شعر بر وزن مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن هست که وزن سنگین، با وقار و متمکن و فخیمی است که مناسب مدح و ستایش است.

درحالی که حافظ در غزلی با مطلع

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَهُ

(عربی یازدهم انسانی، ۱۳۹۸: ۱۹)

ترجمه: با خوان دل نامه‌ای برای دوست (محبوب) نوشتم همانا من روزگار را از دوری تو قیامت دیدم.
از وزن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن استفاده کرده که مناسب تغزل می‌باشد.

۳-۷-۲- لحن

تلفیق و هماهنگ‌سازی و چینش عوامل و عناصری که لحن و گفتمان را با توجه به بافت موقعیت و رابطه بین‌الذهانی در درون انواع تأثیرگذار می‌کنند، مهم است، و گرنه لحن و گفتمان در تمام انواع شعری وجود دارد. شاعران و نویسندگان بزرگ به ویژگی‌های آوایی و موسیقی کلام و همگرایی آن با عاطفه و احساس درونی آگاه بوده‌اند و سعی داشته‌اند همواره با حفظ تناسب و همسویی وزن و عاطفه بر قدرت القایی شعر خویش بیفزایند. ضمن اشاره و تأکید به بار القایی موسیقی کلام و شکل‌گیری بسیاری از آرایه‌های ادبی بر اساس موسیقی واج‌ها، باید گفت بسیاری از معانی و مفاهیم بر اساس موسیقی واج‌ها مصداق می‌یابند.

از جهتی دیگر توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، لحن را پدیدار می‌کند که تشخیص درست این عنصر در متن سبب دلنشینی و درک و دریافت آن می‌شود. حتی بحث آوا معنایی هم بر آن اضافه می‌شود.

لحن یعنی آواز خوش و موزون، نوا، کشیدن صدا، اجتماع حالت‌های صداها، مختلف. لحن سخن، انتخاب سرعت مناسب برای بیان کلمه‌ها و جمله‌ها و اهمیت کنترل حجم صدا و تمهید فن بیان است. لحن در اصطلاح نحوه خواندن و بیان کردن جملات با توجه به شرایط موجود و فضای حاکم بر جمله و لحن حاصل چینش کلام است و از نظر زبانی اهمیت زیادی دارد.

۳-۷-۲-۱- لحن ستایشی

ستایش مخصوص خداست و شاعر یا نویسنده در آن خداوند را به خاطر آفرینش بی‌همتا، قدرت بی‌ظنیر و الطاف بی‌ظنیرش می‌ستاید. خواننده باید خود را موجودی از آفریده‌های او بداند که تسلیم او و شاکر بخشش‌های اوست. مثال:

وَأَنْظُرُ إِلَى الْمَرْءِ وَقُلُّ	مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصْرَهُ
مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ	بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ
ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي	أَنْعَمَ مِنْهُمْ مِرَهُ

(عربی دهم انسانی، ۱۳۹۸: ۳)

البته این شعر در تمامی پایه‌های دهم آمده است.

ترجمه: و به انسان نگاه کن و بگو چه کسی دیده‌اش را در او باز کرد/چه کسی او را به نیروی اندیشه مجهز کرد./ آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

۳-۷-۲-۲- لحن مدح

مدح نوشته‌ای درباره انسان است که شاعر از طریق آن، با کوچک‌تر دانستن خود در مقابل ممدوح، به بیان مطالبی می‌پردازد. مدح انواع زیادی دارد که برای اختصار فقط نمونه‌هایی آورده می‌شود. مدح بزرگان دینی و مذهبی:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَأْتَهُ
وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِجْلُ وَالْحَرَمُ
هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ
هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ
وَلَيْسَ قَوْلُكَ: مَنْ هَذَا؟ بِضَائِرِهِ
الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَالْعَجَمُ

(عربی دوازدهم مشترک، ۱۳۹۸: ۵۱)

این موضوع در کتب عربی دوازدهم انسانی و عربی معارف و علوم اسلامی نیز آمده است. ترجمه: این کسی است که مگه جای قدم‌هایش را می‌شناسد و خانه خدا و بیرون و محدوده حرم او را می‌شناسد. این فرزند بهترین همه بندگان خداست. این پرهیزگار پاک پاکیزه بزرگ قوم است. / و این گفته تو که این کیست؟ زیان رسان به او نیست. عرب و غیر عرب کسی را که تو نشناختی، می‌شناسد.

این ابیات سروده فرزددق در مدح امام سجّاد (ع) است.

نمونه‌ای دیگر در این موضوع:

صَلَّى الْإِلَهَ عَلَى الْجِسْمِ تَضَمَّنَهُ
قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَدْلُ مَذْفُونًا
قَدْ حَالَفَ الْحَقُّ لَا يَبْغِي بِهِ بَدَلًا
فَصَارَ بِالْحَقِّ وَالْإِيمَانِ مَقْرُونًا

(عربی یازدهم علوم و معارف اسلامی، ۱۳۹۹: ۳۶).

ترجمه: صلوات و درود خدا بر جسمی که قبر او را در برگرفت پس عدل و عدالت در آن قبر دفن گردید. / و به حق (خداوند) سوگند یاد کرد که به جای حق چیزی را برنگزیند پس با حق و ایمان قرین گردید.

این ابیات سَوْدَةُ بِنْتُ عُمَارَةَ در مدح امام علی (ع) است

مدح معلم: احمد شوقی معلم را چنین مدح می‌کند.

أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذِي
كَاذَ الْمُعَلِّمِ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا
فَمَنْ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّبَجُّلُ
يَبْنِي وَيُنْشِئُ أَنْفُسًا وَعُقُولًا

(عربی یازدهم مشترک، ۱۳۹۸: ۱۹)

برای معلم برخیز و احترامش را به جای آور. نزدیک است که معلم پیامبری باشد. / آیا شریف‌تر و باشکوه‌تر از کسی که جان‌ها و خرده‌ها را می‌سازد و پدید می‌آورد، شناخته‌ای؟

این ابیات علاوه بر این کتاب در کتاب دوازدهم فنی و حرفه‌ای و کاردانش نیز آمده است.

توصیف جنگک تحمیلی و مدح غیور مردان ایرانی در جنگک تحمیلی و ایستادگی زنان ایرانی پا به پای مردان به‌عنوان نمونه خانم فرنکیس حیدرپور با تألیفاتش در زمینه مقابله با دشمن، در درس پنجم عربی معارف از جمله نثرهایی است که ویژگی مدح به وضوح در آن آشکار است.

۳-۲-۷-۳- لحن داستانی - روایی

حکایت، تعریف کردن صمیمانه داستانی کوتاه با آهنگی نرم و ملایم است به‌گونه‌ای که شنونده یا از آن پند بگیرد یا تحت تأثیر قرار بگیرد. حکایات معمولاً با عباراتی نظیر «آورده‌اند که...»، «یکی را شنیدم...»، «شنیدم...»، «نقل است که...»، همراه است. مثال:

نمونه‌های از لحن داستانی:

درس دوم عربی دهم انسانی با عنوان «إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ».

درس سوم عربی دهم انسانی و عربی مشترک با عنوان «مَطَرُ السَّمَكَ»

درس پنجم عربی مشترک یازدهم با عنوان «الْكَذِبُ»، این درس با حدیثی از رسول خدا (ص) «الْكَذِبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ» آغاز گشته است. داستانی راجع به دروغ گفتن آورده شده که نتیجه آن مشخص شدن دروغ و نهایتاً پشیمان شدن را به همراه داشته است.

درس دوم کتاب عربی دوازدهم انسانی با عنوان «الْوَجْهُ النَّافِعُ، وَالْوَجْهُ الْمُضِرُّ» داستانی است جایگاه علم و سود و زیان را وصف می کند.

موارد ذکر شده نمونه‌هایی از لحن داستانی و روایی هستند

۳-۷-۲-۴- لحن تعلیمی

این لحن به لحن اندرزی نیز موسوم است، تلاش می کند با گویشی آرام در دل شنونده نفوذ کرده و نکات مهم خوب زیستن را به مخاطب خود القا کند. مثال:

دَوَاؤُكَ فَيْكُ وَمَا تَبْصِيرُ وَ دَاوُكَ مِنْكَ وَلَا تَشْعُرُ
أَتَزَعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ

(عربی دوازدهم انسانی، ۱۳۹۸: ۲)

ترجمه: دارویت در خود توست و نمی بینی و بیماری ات (نیز) از خود توست و حس نمی کنی. / آیا گمان می کنی که تو چیز کوچکی هستی در حالی که جهان بزرگ تر در تو درهم پیچیده است.

الْأَنَاسُ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَاءُ أَبُوهُمُ آدَمُ وَالْأُمُّ حَوَاءُ
وَ قَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ وَ لِلرِّجَالِ الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ
فَقَرُّ بَعْلِمٍ وَلَا تَسْتَطَلُّ بِهِ بَدَلًا فَالْأَنَاسُ مَوْتِي وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ

(همان: ۲)

ترجمه: مردم از جهت پدر و مادر یکسان هستند، پدرشان آدم و مادرشان حوا است. / و ارزش هر آدمی به کاری است که آن را به خوبی انجام می دهد و انسان‌ها با کارهایشان، نام‌هایی دارند. / پس به کمک دانش رستگار شو و به جای آن جایگزینی را طلب نکن که مردم مرده‌اند و اهل دانش زنده‌اند.

فَخُذُوا الْعِلْمَ عَلَى أَعْلَامِهِ وَ اطَّلِبُوا الْحِكْمَةَ عِنْدَ الْحُكَمَاءِ
وَ اقْرَؤُوا تَارِيخَكُمْ وَ اخْتَفِظُوا بِفَصِيحٍ جَاءَ كُمْ مِنْ فُصْحَاءِ
وَ اطَّلِبُوا الْمَجْدَ عَلَى الْأَرْضِ فَإِنَّ هِيَ ضَاقَتْ فَاطَّلَبُوهُ فِي السَّمَاءِ

(عربی یازدهم علوم و معارف اسلامی، ۱۳۹۹: ۴۳)

ترجمه: دانش را از صاحبان آن بگیرید و حکمت را از حکماء طلب کنید. / تاریخ و سرگذشتتان را بخوانید و بی عیب حفظ کنید که از طریق سخنوران آمده است. / بزرگی را در زمین طلب کنید پس اگر زمین تنگ شد آن را در آسمان جستجو کنید.

۳-۷-۲-۵- لحن تغزلی

شعر تغزلی بیان احساسات و عواطف انسان در صورت‌های مختلف شادی، غم و غصه و ... است. شاعر احساسات لطیف خود را در قالب کلمات و واژگان منتخب بیان می‌دارد و این احساسات می‌تواند حالات مختلفی را به خود بگیرند. مثال:

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
 اِنِّی رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَةَ
 دارم من از فراقش در دیده صد علامت
 لَيْسَتْ دُمُوعٌ عَيْنِي هَدَى لَنَا الْعَلَامَةَ

(کتاب دهم مشترک، ۱۳۹۸: ۹۰)

ترجمه: با خون دل نامه‌ای به دوست نوشتم. من روزگار را از دوری تو قیامت می‌بینم/ من از دوری او در چشمم صد نشانه دارم. آیا این اشک‌های چشم‌هایم نشانه و علامت نیست؟

سَلِّ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيمٌ فِي الْفَلَوَاتِ تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی
 شبنم به روی تو روز است و دیده‌ام به تو روشن وَإِنْ هَجَرْتَ سِوَاءَ عَشِيَّتِي وَغَدَاتِي

(همان: ۹۱)

ترجمه: از انبارهای آب درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه و سرگردانند پرس. تو قدر آب چگونه می‌توانی درک کنی درحالی که در کنار رود فرات هستی.

۳-۷-۲-۶- لحن مناجات

مناجات به معنی راز و نیاز گفتن و نیایش با خداوند است. انسان در این زمان خود را بسیار کوچک فرض کرده، آنچه را که در حضور دیگران نمی‌تواند بیان کند، با آه و زاری یا شکر و سپاس بیان می‌کند. از خدا می‌خواهد که عاقبت به خیرش کند. لحن مناجات آکنده از عاطفه و احساس و بیانگر حالت فروتنی و خاکساری و تواضع بنده است. مثال:

یا اِلهی، یا اِلهی یا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ
 اِجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيدًا وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ
 وَ اَمْلِئِ الصَّدْرَ اَنْشِرَاحًا وَ قَمِي بِالْبَسْمَاتِ
 وَ اَعْنِي فِي دُرُوسِي وَ اَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ
 وَ اَحْمِنِي وَ اَحْمِ بِلَادِي مِنْ شُرُورِ الْوَحْدَانِ

(عربی دوازدهم انسانی، ۱۳۹۸: ۷۲)

ترجمه: ای خدای من، ای خدای من. ای برآورنده دعاها/ امروز را پربرکت و خوش اقبال قرار بده. / و سینه‌ام را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن. / و مرا در درس‌هایم و انجام تکالیف یاری کن. /...../ و مرا و کشورم را از حوادث ناگوار حفظ کن.

این شعر در کتاب عربی دوازدهم مشترک و عربی دوازدهم معارف نیز آمده است.

با بررسی برخی از اشعار چنین حاصل شد که مؤلفین علاوه بر اینکه در انتخاب موضوعات با دقت و ظرافت خاصی عمل نموده، از انتخاب لحن‌ها نیز غافل نبوده و لحن‌هایی مانند ستایش، مدح، تعلیمی، تغزلی و ... را به کار برده‌اند؛ اما جای لحن‌هایی مانند مناظره و طنز و خاطره و ... خالی به نظر می‌رسد.

۳-۸- تمایز زبان شعر معاصر و سنتی

بافت موقعیتی هم‌زمان با تغییر و تحولات اجتماعی تغییر محسوسی می‌یابد و گاهی حتی کلمات در همان بافت قبلی تغییر معنا می‌دهند؛ بنابراین با توجه به بافت موقعیتی و تغییر در بافتارها ساختار تازه‌ای ایجاد می‌شود. همچنان که در شعر نو با توجه به تحولات سیاسی اجتماعی و نگرش‌های نوین به زندگی، دید تازه‌ای نسبت به جهان و طبیعت اتخاذ شد. نگاه به دریا، درخت، گیاه، حیوان و پرنده و سایر موجودات نگاهی برگرفته از بینش معاصر و در امتداد بینش شاعران مغرب زمین است. تغییر بافت‌های اجتماعی سیاسی و فرهنگی سبب شده است شاعران در سروده‌های نمادین و انتقادی خویش نگرش‌هایی متفاوت با نگرش دوره سنتی ارائه دهند. مثلاً در شعر زیر:

بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوِيَ لَحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٌ
 إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٌ

(عربی دوازدهم انسانی، ۱۳۹۸: ۳)

ترجمه: بلکه آنان را می‌بینی که از گلی آفریده شده‌اند، آیا به جز گوشت و استخوان و پی هستند. / افتخار فقط به عقلی استوار، شرم و پاکدامنی و ادب است.

به نظر می‌رسد زبان شعری گذشته نسبت به معاصر ساده و بی‌تکلف بوده است، اما در متن شعری دوره‌های گذشته با مسلط بودن به لغت بیشترین قسمت متن قابل درک است در حالی که متون شعری معاصر گاهی با وجود نمادها و ابهامات و هنجارگریزی، دور از دریافت عامه مردم قرار داده است. با توجه به عدم وجود چنین اشعاری در کتاب نمونه‌ای در این زمینه ارائه نشد.

۳-۹- بخش قواعد

نظر نویسندگان محترم کتب عربی دوره متوسطه این است که قواعد باید در خدمت یادگیری بهتر متن باشد که این کار شایسته توجه و عنایت است. باید توجه نمود با این شیوه دانش آموزان بیشتر با متن‌های عربی آشنا می‌شوند به جای پرداختن بیش از حد به قواعد به اصل زبان می‌پردازند و قواعد زبانی را در ضمن یادگیری زبان به صورت ناخودآگاه یاد می‌گیرند. هدف کتب مذکور نیز نهایتاً آشنایی با قرآن، احادیث، متون دینی، متون عربی نوشته‌شده توسط ایرانیان، آشنایی با فرهنگ اسلامی و ... است.

اما بایسته است که قواعد به کار رفته در دروس شامل توضیحاتی مناسب باشد که این کار نیز در بیشتر دروس رعایت شده است؛ اما در پاره‌ای موارد به نظر می‌رسد با کمبودها و کاستی‌هایی همراه است. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم که شاید در صورت تصحیح یاری‌گر دانش‌آموزان و خوانندگان خواهد بود.

الف: در قواعد درس هفتم عربی دهم انسانی و عربی دهم مشترک: توضیح فعل مجهول به نظر می‌رسد با کاستی‌هایی روبروست، به جای اینکه طریقه ساخت فعل مجهول را توضیح دهد فقط در جدولی چند فعل مجهول ماضی و مضارع آورده است. در صورتی که برای بهتر شناختن شکل ظاهری فعل مجهول نیاز به توضیح بیشتری احساس می‌شود.

ب: در درس پنجم دوازدهم انسانی در توضیح منادا و در بخشی از منادا، آوردن گروه منادایی برای جملاتی مانند (أَيُّهَا الْوَالِدُ - أَيُّهَا الْبُنْتُ) خالی از اشکال نیست. چون در زبان عربی گروه منادایی وجود ندارد. بهتر است توضیح مناسب‌تری در موارد فوق ذکر شود.

۴- نتیجه

از جمله اهداف کتب درسی فراهم نمودن زمینه‌ای جهت آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم قرآنی و احادیث است. چنین به نظر می‌رسد که با انتخاب موضوعات متنوع درسی و آوردن آیات و احادیث در کنار هم زمینه برای درک بهتر فراهم گردیده است.

زبان مکالمه در کتب عربی دبیرستان بسیار آسان و ساده فهم و در سیر تکامل اهداف آموزش و یارای درک و دریافت قرآن و متون دینی و عربی است.

یکی دیگر از ویژگی‌های دروسی که با آیات و احادیث و ضرب‌المثل‌ها همراه است، متناسب بودن متن درس با مقتضای حال مخاطبانش یعنی فراگیران دوره دوم است.

با بررسی برخی از اشعار چنین حاصل شد که مؤلفین علاوه بر اینکه در انتخاب موضوعات با دقت و ظرافت خاصی عمل نموده‌اند، از انتخاب لحن‌ها نیز غافل نبوده و لحن‌هایی مانند ستایش، مدح، تعلیمی، تغزلی و ... را به کار برده‌اند؛ اما جای لحن‌هایی مانند مناظره و طنز و خاطره خالی به نظر می‌رسد.

با توجه به برخی اطلاعات، دوره عربی دوره دوم متوسطه کاملاً با اهداف دینی و اسلامی هماهنگ بوده و شیوه‌های نوین آموزشی در این کتاب‌ها مثلاً معطوف شدن توجه دانش‌آموزان به بخش ترجمه از جمله نکات قابل توجه آن‌هاست؛ یعنی تمامی متن دروس انتخاب‌شده دارای پیام هستند و وجود آیات و احادیث، توجه به فرهنگ اسلامی و ایرانی و جلوه‌های دیگر دین را نشان می‌دهد.

۵- منابع

قرآن کریم

- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۶)؛ **پیرامون زبان و زبان‌شناسی (مجموعه مقالات)**، تهران: آگه، چاپ دوم
- جمعی از مؤلفین، (۱۳۹۹)؛ **عربی زبان قرآن ۲**، رشته‌های فنی و کاردانش
- جمعی از مؤلفین، (۱۳۹۷)؛ **عربی زبان قرآن ۳**، رشته‌های فنی و کاردانش
- جمعی از مؤلفین، (۱۳۹۸)؛ **عربی زبان قرآن ۱**، علوم انسانی
- جمعی از مؤلفین، (۱۳۹۸)؛ **عربی زبان قرآن ۳**، علوم و معارف اسلامی
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۴)؛ **آواشناسی (فونتیک)**، تهران: آگه، چاپ دهم
- رشتچی، مژگان (۱۳۸۹)؛ «بررسی نظریه و یگوتسکی از دیدگاه روان‌شناسی و ارتباط آن با مبانی نظری آموزش فلسفه به کودکان»، **فصلنامه تفکر و کودک**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول شماره اول، بهار و تابستان، صص ۲۰-۳.
- سوسور، فردینان دو (۱۳۸۲)؛ **دوره زبان‌شناسی عمومی**، ترجمه: کوروش صفوی، تهران: هرمس، چاپ دوم
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲)؛ **زبان شعر در نثر صوفیه، درآمدی به سبک‌شناسی نگاه عرفانی**، تهران: سخن
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷)؛ **نظریه‌های نقد ادبی معاصر**، تهران: سمت، چاپ اول.
- کالر، جاناتان (۱۳۹۰)؛ **در جستجوی نشانه‌ها، (نشانه‌شناسی، ادبیات، واسازی)**، ترجمه لایلا صادقی، تینا امراللهی، تهران: علم، چاپ دوم
- مقدادی، بهرام (۱۳۹۳)؛ **دانش‌نامه نقد ادبی از افلاطون تا به امروز**، تهران: نشر چشمه
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶)؛ **به سوی زبان‌شناسی شعر؛ رهیافتی نقش‌گرا**، تهران: نشر مرکز، چاپ اول
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳)؛ **زبان، بافت و متن**، تهران: سیاهرود

نقد و مرآعة محتوی الکتب الءراسیة العربیة للمرحلة الثانویة من حیث اللغویات

الملخص

لكل عمل لغة خاصة حسب موضوعه وبنیته. إن لغة بعض الأعمال بسیطة وسهلة الفهم بسبب العاطفة والخیال المستخدمین فیها، وبعضها یتطلب الكثير من التأمل والاهتمام بسبب بعض الكلمات والمصطلحات. تعتبر الکتب العربیة للمرحلة الثانویة من أهم المصادر التعلیمیة الی يمكن الوصول إليها فی مجال تعلم اللغة العربیة، وبالتالي لها دورها فی معرفة المتعلمین بالمفاهیم الءینیة والقرآنیة والأحادیث وما إلى ذلك. یعتمد البحث الحالی علی مصادر المکتبة والمنهج الوصفی لمرآعة الکتب العربیة للثانویة من وجهة نظر اللغویات. یوضح تحلیل الکتب العربیة الی تمت مناقشتها أن المؤلفین اختاروا موضوعات الکتب المدرسیة بدقة لغویة خاصة وأناقة، ووفقاً لمستوی الطلاب الأكادیمین وحالتهم، فقد قاموا بتصنیف النصوص بناءً علی أبعاد لغویة.

الكلمات المفتاحیة: لغویات، كتب مدرسیة، كتاب العربیة لغة القرآن، المحتوی

Reviewing the content of Arabic textbooks for the second year of secondary school in terms of linguistics

Abstract

Each work has a special language according to its subject and structure. The language of some works is simple and easy to understand due to the emotion and imagination used in the work, and some require a lot of reflection and attention due to some words and terms. Arabic books for the second year of high school are one of the most important and accessible educational resources in the field of learning Arabic and, accordingly, familiarity with religious and Quranic concepts, hadiths, etc. for learners. The present research is based on the library and descriptive method in order to review the Arabic books of the second secondary school from the linguistic point of view. The analysis of the discussed Arabic books shows that the authors have chosen the subjects of the textbooks with special linguistic accuracy and elegance, and according to the students' academic level and their situation, they have categorized the texts based on linguistic dimensions.

Keywords: linguistics, textbooks, Arabic book, content